

«جوان» خلأهای قانونی حمایت از مصرف‌کنندگان حامل‌های انرژی را بررسی می‌کند

مجازات مصرف‌کنندگان بدهکار با تورم قانون!

مصرف‌کنندگان حامل‌های انرژی در شرایط فعلی اقتصاد وقتی چند روز بدهکار می‌شوند، به استناد قوانین متعدد و متناقض تنبیه می‌شوند



■ **زینب مسلمی، کارشناس حقوق مصرف‌کنندگان** در همیشه روی یک پاشنه نمی‌چرخد و وضعیت فعلی و معیشتی مردم همواره بر مراد نیست که دخل و خرج شسان هم‌خوانی داشته باشد و به همین قاعده بارها دیده‌ایم و چشمیده‌ایم، نظم در یافتی و پرداختی‌ها به هم می‌خورد اما گویا چنین واقعیت آشکاری برای دستگاه‌های خدمات‌رسان پنهان است چون مرغ‌شان هنگام دریافت طلب قبوض رنگارنگ آب، برق، گاز و عوارض شهرداری یک‌با اقتصادی مردم در ک‌شود و اگر مشتری بدی‌دارد و شمشیر داموکلس «قطعی» استفاده می‌کنند. البته این سخن به معنای آن نیست که چنین طلبی صاف نشود یا بختشیده شود، بلکه مقصود آن است، شرایط اقتصادی مردم در ک‌شود و اگر مشتری بدی‌دارد و طبعا ناهم‌خوانی دخل و خرج باعث می‌شود چند روزی یا تأخیر، بدهی خود را صاف کند، مهلت داده نشود و در این وضعیت، با قطعی بدی‌تری نیز هر خانوار، داغی دیگر بر داغ آن نگذارد. اما قانون چه می‌گوید؟ ■ ■ ■

قانون همیشه حامی مردم نیست! مگر می‌شود؟ بله، وقتی کشور از تورم قانون رنج می‌برد و تا دل‌مان بخواهد قوانین ریزور شدت، مرتبط و غیر مرتبط داریم، چنین امری محال نیست و چنین تناقضی در قوانین، بزرگ‌ترین عارضه سمی نظام تقنینی است. همین چند وقت پیش، سیدمحمدهادی راجی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) به «جوان» گفت: تورم تقنینی یکی از اشکالات نظام قانونگذاری ما بوده است که تردیدی درباره آن وجود ندارد و امری کاملاً عیان است. آیا نباید قانون داشت؟ قطعاً پاسخ منفی است. اما قانون یعنی تدوین احکام الزام‌آور برای تنظیم و سامان حیات جمعی، بنابراین وقتی قانون از چنین فلسفه‌ی وجودی و هدف تعیین شده عدول می‌کند، باید در وضع آن تجدید نظر کرد.

یکی از نابسامانی‌های قانونی، مربوط به بدهکاران حامل‌های انرژی است. این حوزه بیشتر از آنکه از قوانین پایه و بالادستی پیروی کند، پیرو آیین‌نامه‌های غالباً خلق‌الساعه‌ای هستند که خود عامل بی‌قانونی می‌شوند. گره کابل البته کمی بزرگ‌تر است. اصل چهارم قانون اساسی می‌گوید «تمامی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد». این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی، قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. طبق نص صریح مندرج در اصل چهارم قانون اساسی، تمامی قوانین و مقررات موجود در کشور باید منطبق با موازین اسلامی باشد؛ در اینجا تکلیف لوازیح و طرح‌های مصوب در مجلس شورای اسلامی روشن است؛ از آن جهت که این مصوبات برای تبدیل شدن به قانون، از سوی اعضای شورای نگهبان به لحاظ مغایرت نداشتن با شرع و قانون اساسی، بررسی می‌شوند.

اما تکلیف تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های قوه مجریه چه می‌شود؟ ضمانت لحاظ اصل چهارم قانون اساسی (انطباق تمامی مقررات با موازین اسلام) در رابطه با مصوبات دولت چیست؟ این سؤال جدی مطرح است که تکلیف مصوبات دولت که زیر نظر هیئت تطبیق می‌روند چه می‌شود؟ قطعاً اعضای هیئت تطبیق برخلاف فقهای شورای نگهبان، تسلطی به مبانی فقهی ندارند که مغایرت با شرع نداشته باشد مصوبات دولت با شرع مقدس را تشخیص دهند از طرفی

طبق نص صریح اصل چهارم قانون اساسی، تشخیص مطابقت قوانین با شرع، بر عهده فقهای شورای نگهبان است. بنابراین بُعد رعایت حقوق مردم از لحاظ شرعی در آیین‌نامه‌های دولت، محل سؤال است.

حال شرکت‌های خدمات‌رسان در چنین خلأیی اقدام به وضع آیین‌نامه‌های رنگارنگ کرده و به استناد آن مردم را جریمه یا تفرّداغ می‌کنند. که چنین مقرراتی در بهترین حالت، صرفاً در هیئت تطبیق مصوبات دولت با قوانین مجلس بررسی می‌شود و اگر دولت و مجلس به‌ر دلیلی هوای یکدیگر را داشته باشند که معمولاً هم دارند، حقوق مردم را به‌ویژه طبقات کمتر بر خوردار، هوا می‌کنند! بارها شاهد بوده‌ایم مسئولان دستگاه‌های خدمات‌رسان مردم را تهدید به قطعی برق، آب و گاز می‌کنند، اینهم به استناد همین آیین‌نامه‌هایی که اصل آن زیر سؤال است، مثلاً آیین‌نامه‌ای موسوم به «آیین‌نامه‌تکمیلی تعرفه‌های برق(با اعمال الحاقیه شماره ۴ و اصلاحات مربوطه)» می‌گوید اگر صورت‌حساب‌های برق مصرفی یا سایر بدهی‌ها در سررسید مقرر پرداخت نشود، می‌توان به صورت موقت انشعاب برق را قطع کرد! جالب‌تر آنکه

خیلی اوقات هم چنین تهدیدهای حتی استناد همین قوانین نیم‌بند را ندارد. سخنگوی صنعت برق ۲۰ بهمن ۱۴۰۰ گفته بود «در صورت پرداخت نکردن، در قالب پیامک به مشترکان اطلاع داده و یک هفته نیز به آن مهلت پرداخت داده می‌شود، در صورت پرداخت نکردن، اطلاع قطع برق به مشترک ارسال می‌شود، حتی در این صورت نیز ۴۸ ساعت بعد برای قطع موقت انشعاب اقدام خواهد شد.» در این مصاحبه تهدیدگونه هیچ استناد قانونی ذکر نشده است که به استناد کدام قانون یا مقرراتی، چنین بازه‌ای تعیین شده است. چنین موضوعی در حوزه آب و گاز هم صدق می‌کند و مهم‌تر از آن رعایت حال کسانی است که بعضاً استطاعت مالی در موعده مقرر شده ندارند و توجهی به آن نمی‌شود.

یکی دیگر از معضلات چنین مقرراتی بدون پشتوانه،

شما آمده است؟ قطعی هم بعد از اطلاع داشتید یا خیر؟! سؤالی که به پنهان آن سراغ مردم رفتیم پیرمردی ۷۵ ساله می‌گوید: بعد از سال‌ها با نون زحمت کشیده و فروش ماشین و طلاهای همسر و البته به دلیل مشکلات روی خود و بیماری همسر به اطراف تهران مهاجرت کردیم. بماند که برای ساخت ملک ساده و متفرقه ۱۰ متری چقدر اذیت‌مان کردند. به‌رغم پرداخت جریمه ماده ۱۰۰، ماه پیش قبض آب ۲۰ میلیون تومان آمد. به سازمان آب مراجعه کردیم ما را به شهرداری ارجاع دادند. به شهرداری مراجعه کردیم و مدعی شد باید پول تفکیک زمین را پرداخت کنید که بالغ بر ۱۰۰ میلیون تومان است، در غیر این صورت آب ملک قطع می‌شود و این در مورد گاز و برق هم صدق می‌کند. جالب‌تر این است که روزی نیست مسئول مربوطه به ما زنگ زدند و تهدید کنند که اگر پول را پرداخت نکنیم برای قطع اقدام می‌کنند. یعنی به جریمه روی قبض هم اکتفا نمی‌کنند، کلاً، آب و گاز خانه را قطع می‌کنند.

جوانی ۳۶ ساله می‌گوید: بدون هیچ‌گونه خطاری آب ساختمان ۱۲ واحدی را به دلیل پرداخت نکردن هزینه تأسیسات فاضلاب قطع کردند. چه‌قدر باید پرداخت شود؟ ۲۹۰ میلیون. به مأمور آب گفتیم در این ساختمان بچه کوچک داریم، قطع نکنید اما گفتند ما هم مسئولیم. مسئول کدام نهاد و وزار تخانه اینقدر بی‌انصاف هستند؟

خانمی ۵۰ ساله می‌گوید: اداره برق برای ۳۰۰ هزار تومان بدهی شمع ساختمان هشدار قطع فرستاده است. جالب این است، دو سال در میان قبض عوارض نوسازی را با جریمه دیر کرد ارسال می‌کنند و تهدید می‌کنند اگر پرداخت نکنیم قطع خواهند کرد. آقای ۵۰ ساله می‌گوید: من یک ساختمان مسکونی دارم که دو واحد است. خلافی (جریمه) ماده ۱۰۰ شهرداری واحد اول را به شهرداری پرداخت کردم و امتیازات آب، برق و گاز را برای واحد اول گرفتم. واحد دوم خلافی داشت و خلافی را پرداخت نکردم و انشعاب هر دو واحد قطع شد. فرض اینکه من واحد را به غریبه داده بودم، چه می‌شد؟! خانمی ۶۰ ساله می‌گوید: انگار قانون فشار است، چرا

اصلاً آنقدر استرس برای قطعی باید بدهند؟ چرا قانونی برای بدبخت بیچاره‌ها و سالمندان و بازنشسته‌ها نیست؟! چرا آنقدر اخطار؟! مینا ۳۰ ساله می‌گوید: فقط ۲۲ ساعت زمان کافی بود تا تلفن را قطع کنند. به همین راحتی! درباره اینترنت مخابرات حرفی نمی‌زنم که اگر چند روز دیر پرداخت کنیم قطع می‌شود، درباره آب، برق، تلفن و گاز معمولی حرف می‌زنم.

■ **دفاع قانون از مصرف‌کننده ضعیف است** زینب مسلمی، کارشناس حقوق مصرف‌کنندگان خصوص چگونگی حمایت قانون از مصرف‌کنندگان می‌گوید باید بپذیریم، قانون در دفاع از حقوق مصرف‌کنندگان خیلی موفق نبوده است و این موضوع، بحث امروز و دیروز هم نیست.

وی می‌افزاید: قانون اساسی ما سطر به سطر به دنبال تأمین رفاه مردم و گشودن گره‌های آنهاست، اما متأسفانه در قوانین عادی خیلی به این مهم توجه نشده است. مثلاً قوانین عادی مرتبط با اصول سوم، بیست‌ونهم، سی‌ام و سی‌و یکم خیلی موفق نبوده‌اند.

مسلمی تصریح می‌کند: تعدد قوانین مخصوصاً در حوزه آیین‌نامه‌ها و مقررات، به نوعی به ضد حقوق مردم تبدیل شده‌اند و مانع از آن می‌شود که مردم با پیروی از آنها، آرامش خاطر داشته باشند.

این کارشناس حقوق مصرف‌کننده می‌گوید: قانون مشخصی در خصوص قطع انشعابات مردم به دلیل بدهی مقطعی وجود ندارد و حتی برخی مقررات موجود هم دچار ابهام است.

وی می‌افزاید: بند ۱ اصل ۱۵۵ قانون اساسی، کشف جرم، تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدوّن جزایی اسلام از وظایف قوه قضاییه است و اصل ۳۶ همین قانون نیز حکم به مجازات و اجرای آن را تنها از طریق دادگاه صالح امکانپذیر دانسته است بنابراین مقررات دولتی حق ندارند از طریق وضع مقررات اجرایی برای مردم مشکل بترانند.

مسلمی تصریح می‌کند: تشخیص اینکه اقدام به قطع انشعاب یا مجوز قانونی یا مستند به قرارداد بوده است، یا خیر بر عهده دادگاه است و باید طبق قانون حرکت کرد.

این کارشناس در بخشی از دیدگاه دیگر از مصاحبه‌اش با «جوان» می‌گوید: هدف قانون تأمین سامان امورات جمعی است و باید شرایط زندگی نیز در تدوین آن لحاظ شود. طبیعتاً وقتی مردم در مضیقه هستند و برخی افراد به دلیل برخی مشکلات مالی، از پرداخت بدهی بهای خدمات در زمان مقرر عاجز هستند باید مفری برای آنها در نظر گرفت.

وی می‌افزاید: چند سال قبل وقتی بیماری همه‌گیر کرونا حاکم بود، دستگاه‌هایی مانند بیمه، مالیات و... حتی حاضر نشدند مطالبات خودشان را به تأخیر بیندازند و این بستر نوعی بی‌اعتمادی به نظام اداری است چراکه این احساسات را تقویت می‌کرد که نظام اداری یا در درکی از وضع موجود ندارد یا بنای همکاری ندارد.

مسلمی تصریح می‌کند: در آن شرایط پیشنهاد دادیم قید «لحاظ شرایط اقتصادی» در برخی قوانین مرتبط با معیشت مردم لحاظ شود. ولی ظاهراً هنوز به آن توجه خاصی صورت نگرفته است.

وی در پایان تأکید کرد امیدواریم نهادهای خدمات‌رسان به وضعیت معیشتی مردم مخصوصاً طبقات کمتر بر خوردار توجه کنند و از اعمال فشارهای مضاعف پرهیز کنند. برای تأمین منافع می‌توانند از صرفه‌جویی و افزایش بهره‌وری شروع کنند.

پرسش حقوقی



۴ **درصد دیه را دادگاه تعیین می‌کند یا پزشک قانونی؟**

درصد از کار افتادگی و نقص عضو به وسیله پزشکی قانونی مشخص می‌شود که بازوی مشورتی مقامات قضایی است. رویه به این شکل است، پس از تثبیت وضعیت جسمی مصدوم، معاینه نهایی صورت می‌گیرد و بر اساس میزان جراحت و آسیب، درصدی از دیه کامل به عنوان ارش یا دیه از کار افتادگی و یا نقص عضو تعیین می‌شود. دادگاه با ملاحظه سایر جوانب، شرکت بیمه‌گر یا مسبب حادثه، یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را ملزم به پرداخت جزای نقدی(دیه) می‌کند..



۴ **فرایند ادعای سابقه در تأمین اجتماعی چگونه است؟**

در صورتی که کارفرما بدون توجه به ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی در زمان اشتغال کارکنان تحت شمول، از بیمه کردن کارکنان خود خودداری کند، شخص مدعی باید با تکمیل فرم مخصوص و ضمیمه کردن مدارک و مستندات اشتغال به کار اقدام و به شعبه بیمه، آخرین لیست واریزی حق بیمه را ارائه کند. موضوع در کمیته ادعای سابقه شعبه و استان مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به مستندات ارائه شده اعلام نظر می‌شود.



۴ **حمل اسپری فلفل مجازات دارد؟**

به موجب مقررات موضوعه ایران، حمل سلاح از هر قبیل که باشد برای اشخاص ممنوع است. بنابراین، هیچ شخصی نمی‌تواند از اسپری فلفل یا شوکرو... برای دفاع از خود استفاده کند.

چنانچه شغل شما یا کارتان به گونه‌ای باشد که نیاز به حمل اسپری فلفل یا سایر وسایل دفاع شخصی داشته باشید می‌توانید با توجه به نوع شغل‌تان و با مراجعه به پلیس پیشگیری در خواست معینی بر استفاده از این وسایل را ارائه کنید. بعد از درخواست شما کمیسیون به پلیس پیشگیری تشکیل شده و اعضای کمیسیون تشخیص می‌دهند آیا این فرد توان و اجازه استفاده از این وسایل و امکانات را دارد؟ چنانچه فرد توانایی استفاده از این وسایل را داشته باشد و این توانایی از سوی کمیسیون احراز شود، باید مراحل دیگری را طی نماید. اما تمامی مراحل از سوی نیروی انتظامی پیگیری می‌شود. بنابراین، نیازی به مراجعه به دادگاه و طرح دادخواست یا شکایت نیست.

در مورد استفاده از اسپری فلفل و شوکر برابر ماده ۱۱ قانون قاچاق اسلحه و مهمات آمده است: «هر کس مرتکب قاچاق اقلام یا مواد تحت کنترل شود یا به ساخت و مونتاژ هر یک از آنها اقدام کند به مجازات تعزیری محکوم می‌شود». همچنین ماده ۱۲ قانون قاچاق اسلحه و مهمات می‌گوید: «هر کس به طور غیر مجاز، اقلام یا مواد تحت کنترل را خریداری، نگهداری یا حمل نماید یا به توزیع و فروش آنها اقدام کند یا هر گونه معامله دیگری با آنها انجام دهد به مجازات تعزیری محکوم می‌شود.»

همانطور که در مواد صدرالاشاره ذکر شد، قاچاق اسپری فلفل، شوکر و... جرم بوده و قابل مجازات است. همچنین نگهداری و حمل این سلاح هم جرم است. مرجع رسیدگی به این جرم نیز دادگاه کیفری ۲ می‌باشد. گاهی ممکن است جواز استفاده از اسپری فلفل یا شوکر تنها برای یک محل به فرد اعطا شود. در این صورت فرد تنها در همان محل می‌تواند از اسپری فلفل یا شوکر یا هر سلاح دیگری که مجوز آن را دارد استفاده کند نه غیر از آن. فرض کنید به نگهبان یک صرافی بزرگ در مرکز تهران مجوز استفاده و حمل اسپری فلفل داده شده است. اما به موجب مجوز اعطایی نگهبان تنها در محل نگهبانی خود می‌تواند از اسپری فلفل استفاده کند (آنهم در فرضی که نیاز به دفاع شخصی باشد). حال اگر نگهبان در خانه خود یا در هر جای دیگر به جز در پست شغلی نگهبانی از این سلاح استفاده کند، این جرم جرم بوده و قابل مجازات است.



۴ **اگر ملک به عنوان مهر به تعیین شود، باید ثبت قانونی شود؟**

برای ثبت ملک به عنوان مهر به مدارک لازم است که باید در هنگام عقد در دفتر ازدواج آماده باشد. تمام مدارکی که برای انتقال ملک نیاز است و معمولاً فروشنده آنها را به دفتر ثبت اسناد رسمی ارائه می‌دهد؛ از جمله برگه استعلام از ثبت، گواهی از دارایی مبنی بر پرداخت مالیات و گواهی از شهرداری برای اثبات پرداخت عوارض و همچنین سند رسمی ملک. اما جریان قانونی ثبت به اینجا ختم نمی‌شود. دفتر ازدواج و طلاق موظف است که قبلاً ازدواج را به نزدیک‌ترین دفتر ثبت اسناد رسمی بفرستد. دفتر ثبت اسناد پس از دریافت قبالة، خلاصه معامله صدایی را ثبت می‌کند و نام‌زوجه را به عنوان مالک جدید در ستون انتقالات می‌نویسد و شماره آن را به اداره ثبت می‌فرستد تا سند به نام‌زوجه ثبت شود.